



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۲۶ / ۰۷ / ۰۲

یونس نگاه

نان و آزادی

رابطه مردم با حکومت‌ها با سه نخ (نظم، نان و آزادی) تنظیم می‌گردد. در مورد نظم و امنیت اختلاف نظر وجود دارد، تفسیر نظم و امنیت در جوامع در سایه فرهنگ و سنت از یک جا تا جای دیگر متفاوت می‌شود، ولی در هیچ جا برسر این‌که دولت مسوول تامین نظم و امنیت است، اختلاف نظر نیست. حکومت انتخابی باشد، زورکی باشد یا انقلابی و جهادی همه امنیت را در سبد خدمات خود دارند.

نان و آزادی دو عامل اصلی تفکیک نظام‌هاست. برخی نظام‌ها می‌گویند اولویت ما نان است، و آزادی را محدود می‌کنیم تا به رفاه جامعه رسیدگی کنیم. عده‌ای می‌گویند آزادی قاعده اصلی است و اگر آزادی نباشد رفاه معنی ندارد. یا می‌گویند آزادی خودش نان و رفاه می‌آورد.

حاکمانی هستند اما مثل ملا هبث‌الله که می‌گویند نان را از خدا بخواهید و طالبان مسوولیت ندارند زمینه تعلیم و تحصیل شما را فراهم سازد تا مهارت کسب کنید و صاحب نان شوید. آزادی هم قبول نیست چون به گفته آنان خدا آزادی را دوست ندارد و اگر قید و بند صدقی صد شرعی تحمیل نگرند آسمان ناراضی می‌شود.

آنان امنیت را هم قبول ندارند. نظم را تبلیغ می‌کنند. امنیت به معنی حق حیات و امکان دفاع از مال و آبرو و حقوق اساسی در نظم طالبانی قابل پذیرش نیست. امنیت برای آنان نظم یک‌جانبه مطلق است که هسته‌اش اطاعت می‌باشد. طالبان می‌توانند دیگران را بکشند، شکنجه کنند، از حقوق‌شان محروم سازند و اذیت نمایند، بخصوص اگر این ستم‌ها با اطاعت و شریعت وصل شود.

کالای اصلی طالبان اطاعت و نظم بی‌چون و چرا به علاوه «کمک» به پاکیزگی ایمان و رستگاری آخرت است. آزادی را هیچ به رسمیت نمی‌شناسند، نان را مشروط و ضمنی قبول دارند و گرسنگی، فقر و نبود رفاه را کمبود نمی‌شمارند و دولت را ملزم به رفع آن‌ها نمی‌دانند، بلکه به تقدیر و دعا و اراده آسمان وصل کرده رفع «مسئولیت» می‌کنند.

به همین دلیل طالبان نمی‌توانند دولت بسازند، پایداری ایجاد کنند و سنت و میراث سیاسی فرهنگی از خود به‌جا بگذارند. یک دوره توقف و عقب‌گرد را رقم می‌زنند و تا وقتی تاب بیاورند بدون ارایه هیچ‌گونه خدمت پایدار و سرنوشت‌ساز به جامعه، در قدرت می‌مانند.

شاید عده‌ای بگویند که طالبان سرک می‌سازند، پلچک و نهر و بند آب می‌سازند و لوله گاز می‌کشند و استخراج معادن را سرعت می‌بخشند. سرک‌سازی بدون تعلیم و کار و تحصیل پایدار نیست. استخراج معادن بدون تحصیل و تربیت نیروی بشری، باعث سیری مردم نمی‌شود. چورکان می‌شود که از آن عده‌ای از شرکت‌ها و زورمندان بهره می‌برند و خلاص. نهر و بند آب هم بدون تربیت نیروی بشری و تخصص اثر پایدار نمی‌گذارد و به کارهای مقطعی و پروژه‌های مجزا تقلیل می‌یابند. تا وقتی آدم‌ها صاحب کار و کسب و مهارت نشوند، دوام و توسعه سرک‌سازی و نهرسازی ممکن نمی‌شود. سر جوی را بسازند پایش فرو می‌ریزد، پایش را پس ترمیم کنند کمرش افکار

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de يادونه: دليکنې د ليکنيزې بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولئ

می‌شود. بخصوص وقتی رفاه و آسایش مردم، نان و سیری مردم مذموم باشد و با گناه و دوری از رستگاری اخروی گره زده شود، فعالیت‌های اقتصادی ریشه‌دار ممکن نمی‌گردد. سیاست و حکومت‌داری بدون به رسمیت شناختن حداقل یکی از دو حق اساسی آدم‌ها (نان و آزادی) ممکن نیست. شما می‌توانید جامعه‌ای را برای مدتی گروگان بگیرید ولی تا وقتی به نان یا آزادی آن مردم رسیدگی نکنید، صاحب دولت نمی‌شوید. از این رو قاعده طالبانی بدیل و حریف هیچ قاعده سیاسی نیست. نه در برابر نظام جمهوری و دموکراتیک می‌توان آن را گذاشت، نه در برابر نظام سوسیالیستی آن را می‌توان قرار داد، و نه در برابر نظام خودکامه شاهی و میراثی. امارت طالبانی نظام ندارد، فرهنگ ندارد، سیاست ندارد، تعلیم ندارد، قانون ندارد. یک توقف‌گاه و پاتک کلان است. افغانستان حتما از این توقف‌گاه بیرون خواهد شد چه با جنگ و آشوب و چه با گفتگو و تحول غیر خشونت‌آمیز.



آرشیف: نو یسنده در پورتال افغان جرمن آنلاین